

هو العليم

كيفية نزول وحى به رسول الله صلى الله عليه و آله به بيان علامه طباطبائي

حضرت علامه آية الله حاج سيد محمد حسين حسيني طهراني

مهر تابان، صفحه ۳۰۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحوم علامه آیه الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی (ره) در کتاب مهر تابان - یادنامه علامه طباطبایی (ره) - در بخش دوم کتاب که به مصاحبات با علامه طباطبایی اختصاص دارد، مطالبی را به نقل از علامه طباطبایی در تبیین کیفیت نزول وحی به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم طرح می نمایند که ذیلاً تقدیم نظر خوانندگان گرامی می گردد. لازم به ذکر است در این کتاب مراد از لفظ «تلمیذ»، مرحوم علامه طهرانی و مراد از لفظ «علامه»، مرحوم علامه طباطبایی است. رضوان الله علیهما.

تلمیذ: راجع به کیفیت نزول وحی به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است. آیا در هنگام وحی آیات قرآنی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و نزول آیات و اوامر و نواهی الهیه، همیشه حال پیغمبر تغییر می کرده، و از حال عادی خارج می شده اند، و یا آنکه در بعضی از اوقات حال رسول خدا تغییر می کرده است؟ چون در اثر وارد است که در حال وحی، رنگ پیغمبر زرد و یا سفید می شد، و بدن آن حضرت سنگین می شد، و مانند شخص بی هوش و بی حال در می آمدند.

و آیات الهیه ای را که نازل می شده است؛ آیا در حال افاقه برای مردم و برای کُتّاب وحی می خوانده اند یا در همان حالت غیر عادی؟ و آیا کُتّاب وحی پیوسته ملازم آن حضرت بوده اند و فوراً وحی را می نوشته اند یا بعداً؟

و آیا نزول وحی به توسط جبرائیل بوده، و یا خود حضرت حق بدون واسطه و حجاب بر آن حضرت تجلی می نموده است؟

عَلَّامه: نمی توان گفت که پیوسته حال رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در وقت نزول وحی تغییر می کرده است، یعنی دلیل نداریم؛ از کجا می توان گفت؟ در مورد رسول الله گاهی اَتَّفَاق می افتاد در وقت نزول وحی، حال ایشان بهم می خورد و مثل آدم مَقْضی عَلَیْهِ (مثل شخص متوفی) همین طور می افتادند و بعداً افاقه حاصل می شد.

اما اینکه آیات را در همان حال غیر عادی می خوانده اند یا پس از افاقه، خیلی روشن نیست. مثل اینکه از بعضی از روایات استفاده می شود که قبل از حال افاقه هم خوانده می شد؛ که چون حضرتش از عالم فناء، بقاء حاصل می کرد سؤال می فرمود که: چگونه خواندید؟ این دلیلی است بر آنکه در حال فنا و گرفتگی هم می خوانده اند؛ و بعد که حال عوض می شد و حال عادی دست می داد نیز خوانده می شده است.

یک روایت داریم که از حضرت صادق علیه السلام سؤال می کنند: یا بن رسول الله! رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تاب مقاومت ملاقات و دیدار جبرئیل را نداشت و از آن جهت از خود بی خود می شد و غش می کرد؟

حضرت صادق علیه السلام فرمود: این در حالی بود که خداوند متعال تجلی می کرد بر رسولش و با او تکلم می کرد، و رسولش طرف خطاب خدا بود، و خود حق تبارک و تعالی بدون واسطه با او سخن می گفت. و اما در غیر اینصورت جبرائیل مانند یک عبد مملوک و یک بنده و برده ای می ایستاد، و اجازه می گرفت، و حرف هایش را می زد. و هر وقت جبرائیل تکلم می کرد اینچنین بود. و اما آنکه در موقع خطاب، حال رسولش تغییر می کرد حقیقتاً خود خداوند عز و جل بوده است. مثلاً در شأن نزول سوره مائده، و در روایات نزول آن داریم که: سوره مائده وقتی نازل شد که پیغمبر اکرم به مدینه وارد می شدند؛ و به اندازه ای این سوره سنگینی داشت، و آن قدر سخت و سنگین بود که ناقه ای که حضرت بر آن سوار بودند نزدیک بود به زمین برسد، و بر روی زمین بخوابد. آیات و روایات در کیفیت نزول سوره های قرآن مختلف است؛ بعضی دلالت دارد بر اینکه خداوند متعال تجلی می نموده و وحی می فرموده است، و این وحی بلاواسطه بوده؛ و از بعضی استفاده می شود که به توسط جبرائیل بوده است.

و اصولاً در آیه وارده در آخر سوره شوری (حم * عشق) که می فرماید:

﴿وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَائِهِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآدَانِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ﴾. (آیه ۵۱، از سوره ۴۲: الشوری)؛ «و از برای هیچ فردی از افراد بشر نیست که خداوند با او سخن گوید مگر از راه وحی، و یا از پشت پرده و حجاب، و یا اینکه فرستاده ای را بفرستد، پس وحی کند به اذن خود هر چه را که بخواهد؛ و او بلند مرتبه و حکیم است.»

وحی خدا قسیم با ارسال رُسل قرار گرفته است؛ یعنی وحی مقابل افتاده با فرستادن مأمور و رسول و با تکلم از وراء حجاب؛ پس هر جا که وحی بوده است دیگر جبرائیل نبوده است.

و این آیه بخوبی دلالت دارد بر آنکه در جائیکه قرآن بصورت وحی بوده است، توسط خود حضرت حق متعال بلاواسطه بوده و برسول اکرم نازل می شده است؛ و بالاخره جبرائیل نبوده است. و آنجاهائی که به توسط جبرائیل نازل می شده است، دیگر جلوه خدا بدون واسطه نبوده است.

این مسأله خیلی روشن است؛ چون بطور حصر مطلق دائر بین نفی و اثبات ﴿إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَائِهِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا﴾ هر چه به توسط جبرائیل و یا اعوان او نازل شود غیر از مسأله وحی می باشد.

کیفیت نزول وحی به رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

آیات وارده در اول نزول قرآن: **﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * أَفْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * أَفْرَأُ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾**. (آیات ۱ تا ۵، از سوره ۹۶: العلق)

«بخوان به اسم پروردگارت، آنکه خلق کرد! انسان را از علق خلق کرد. بخوان! و پروردگار تو از همه موجودات مکرم تر و بزرگوارتر است. آن کسی است که با قلم تعلیم کرد. و به انسان تعلیم کرد چیزهایی را که نمی دانست.»

به حسب ظاهر به نظر می رسد به اینکه توسط خود حضرت حق متعال به عنوان وحی بوده باشد؛ و جبرائیل معلوم می شود که بعدها آورده است.

و نیز در قرآن سه آیه داریم که دلالت دارد بر اینکه قرآن توسط جبرائیل و روح القدس و روح الامین نازل شده است:

﴿قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيْلَ فَإِنَّهُ وَنَزَّلَهُ وَ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾. (صدر آیه ۹۷، از سوره ۲: البقرة)

«بگو کیست که دشمن جبرائیل باشد؟ جبرائیل است که بر قلب تو فرو فرستاد قرآن را به اذن خدا.»

﴿قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾. (صدر آیه ۱۰۲، از سوره ۱۶: النحل)

«بگو قرآن را روح القدس از جانب پروردگارت بحق فرو فرستاد تا اینکه کسانی که ایمان آورده اند، استوار و پا برجای بوده باشند.»

﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ * بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ﴾. (آیات ۱۹۳ تا ۱۹۵، از سوره ۲۶: الشعراء)

«قرآن را روح الامین بر قلب تو فرو فرستاد برای اینکه از ترسانندگان بوده باشی، به زبان عربی آشکارا.»

باری، ظاهر این آیات این است که تمام قرآن را جبرئیل نازل کرده است. ما برای به دست آوردن حقیقت مطلب و جمع بین آیات قرآن یک طوری فکر کرده ایم، نمی دانم رساست یا رسا نیست؟ و آن اینکه بگوئیم: کیفیت نزول وحی سه مرحله دارد:

مرحله اوّل: مرحله نزول وحی است مِنْ اللّٰه، از جانب خدا بلاواسطه.

مرحله دوّم: مرحله پائین تر از آن، و آن اینکه از جانب خدا بلاواسطه نباشد بلکه از ناحیه جبرئیل است؛ یعنی در جائیکه خدا وحی می کرده جبرائیل هم بوده، و خداوند به توّسط جبرائیل وحی می نموده است.

مرحله سوّم: مرحله پائین تر از آن، و آن اینکه از جانب جبرائیل هم بلاواسطه نبوده باشد بلکه به توّسط اعوان و یاران او وحی می شده است. و در اینصورت، از خداوند به توّسط جبرائیل، و از جبرائیل به توّسط اعوان او وحی می شده است؛ و در این قسم، هم خدای متعال حاضر بوده است و هم جبرائیل و هم اعوان جبرائیل.

درباره این قسم سوّم که به توّسط اعوان جبرائیل وحی می شده است، آیه ای در قرآن کریم داریم که می رساند این آیات الهی در الواحی و یا مثلاً نظیر الواحی که در دست **(سَفَرَةِ كِرَامٍ بَرَرَةٍ)** بوده است نازل می شده و رسول اللّٰه می خوانده است:

(كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ * فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ * فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ * مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ * بِأَيْدِي سَفَرَةٍ * كِرَامٍ بَرَرَةٍ.) (آیات ۱۱ تا ۱۶، از سوره ۸۰: عبس)

«نه! این چنین نیست بلکه آیات قرآن برای تذکّر و پند است، تا هر که بخواهد متذکّر گردد. در صحیفه های بلند مرتبه و بزرگ مقام است. آن صحیفه ها، بلند رتبه و پاک و پاکیزه است، که به دست سفیران حقّ و فرشتگان وحی که ملائکه بزرگوار و با اخلاق نیکو هستند فرستاده می شود.»

اختلاف درجات و مراتب وحی بحسب حالات و وضعیات مختلف بوده است

و در تمام این سه مرحله، اهل سه مرحله، یعنی حضرت حقّ و جبرائیل و سَفَرَةِ كِرَامٍ بَرَرَةٍ حاضر بوده اند و نزول وحی هم در هر یک از مراحل توّسط همه اینها یعنی توّسط سَفَرَةِ كِرَامٍ بَرَرَةٍ توّسط جبرائیل، توّسط حضرت حقّ صورت می گرفته است؛ غایه الامر در بعضی از موارد، نظر اصلی به خود ذات حقّ بوده است، بطوری که به جبرائیل و سفره نظر نمی شده است؛ و این در آن مواردی است که حال رسول اللّٰه تغییر می کرده است؛ و طبق آیه واقع در سوره شوری وَحْيًا بوده است.

و در بعضی از موارد نظر اصلی به جبرائیل بوده است، بطوریکه به سفره نظر نمی شده است، و نظر به ذات حقّ از آئینه و مرآت جبرائیل بوده است.

و در بعضی از موارد نظر اصلی به همان فرشتگان زیر دست و اعوان جبرائیل یعنی سفره بوده است، و از دریچه وجود و تعین آنها به جبرائیل و حضرت حقّ نظر می شده است. و درباره این قسم

اخیر طبق همان آیه، **(أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا)** بوده است؛ منتهی بعضی از اوقات توسط رسول جبرئیل و بعضی از اوقات توسط سفرة کرام برّرة که یاران و اعوان او هستند.

چون طبق همین آیه **(وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَائِهِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا)** خداوند متعال وقتی وحی کند خودش تکلم می کند، و در تکلیمش واسطه اتخاذ نمی کند. خودش مستقیماً تجلی می کند، و تکلم می کند؛ و رسول خدا ادراک می کند آن تکلم را. و نظیر این معنی را درباره قبض روح داریم؛ در آنجا نیز این سه مرحله در قرآن کریم وارد شده است.

در یک جا داریم: **(اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا)**. (صدر آیه ۴۲، از سوره الزمر: ۳۹) «خداوند جانها را در وقت مردن و در وقت خوابیدن می گیرد.»
و در یک جا داریم: **(قُلْ يَتَوَفَّيْكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ)**. (صدر آیه ۱۱، از سوره ۳۲: السجدة)

«بگو شما را قبض روح می کند آن فرشته مرگی که به شما گماشته شده است.»
و در یک جا داریم: **(حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّنَهُ رُسُلُنَا وَ هُمْ لَا يَفْرَطُونَ)**. (ذیل آیه ۶۱، از سوره ۶: الانعام)

«حتی تا زمانیکه موت به سراغ یکی از شما بیاید، در آن هنگام رسولان و فرستادگان ما از فرشتگان، او را قبض روح می کنند؛ و آنها در انجام این امر کوتاهی ندارند.»
و نظیر این آیه باز هم در قرآن کریم هست. و به هر حال از این آیات استفاده می شود که در مسأله قبض روح در یک مرتبه خداوند متعال مستقیماً قبض روح می کند، و یک مرتبه پائین تر، نسبت به ملک الموت داده شده است، و در مرتبه پائین تر نسبت به فرشتگان و رسولان قبض ارواح داده شده است.

و در تمام این سه مرحله نیز خداوند متعال و ملک الموت و ملائکه قبض ارواح دست اندرکارند. فقط تفاوت در این است که در بعضی موارد چون شخص محتضر به غیر خدا به هیچ وجه متوجه نیست، حضرت حق متعال خود بدون واسطه قبض روح می نماید؛ یعنی شخص محتضر، عزرائیل یا فرشته دیگری را نمی بیند؛ گرچه آنها دست اندرکار باشند.

و در بعضی از موارد، محتضر مقامش آن طور نیست که بتواند صرفاً غرق در انوار حضرت احدیت باشد؛ و چون دارای مراتبی از خلوص می باشد، لذا جان دادن او توسط خود عزرائیل انجام

می‌گیرد و در بعضی از موارد توسط ملائکه جزئیّه و اعوان عزرائیل صورت می‌گیرد. و در صورت دوّم دیگر ذات حقّ مشاهده نمی‌شود، و در صورت سوّم ذات حقّ و عزرائیل هیچ کدام مشاهده نمی‌گردند. و به هر حال اختلاف این مراتب بحسب اختلاف ادراکات و درجات و مقامات محتضر است. و همانطور که ذکر شد، بحسب ظاهر، اختلاف درجات و مراتب وحی آیات قرآنیّه در این سه مرحله نیز بحسب اختلاف حالات و مقامات و وضعیاتی بوده است که خداوند تبارک و تعالی وحی را به یکی از این سه طریق نازل می‌فرموده است^۱

^۱ مهر تابان، ص ۳۰۵.